

An Analysis of the Pathological Aspects of Ali-Muhammad Shirazi's Personality in His Claim to Mahdism*

Fatemeh Ghamkhar Fard¹ 

Ahmad Karimi² 



1. PhD Candidate in Imamiya Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran (Corresponding Author).

Fa.gh.6067@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

ahmad.karimi@gmail.com

Abstract

The discourse of Mahdism has undergone various transformations throughout history. One of the most significant threats to the awaiting community is the risk of falling into the trap of claimants who, by asserting spiritual and religious experiences, pave the way for the formation of various sects and schools of thought. Among these individuals, "Ali Muhammad Shirazi" is notable for having founded a new faith in contemporary times based on such claims. During his trial, some questioned his mental health. The aim of this research is to investigate, through a descriptive and psychological analysis of Ali-Muhammad Shirazi's personal and social life, to what extent his claims can be assessed in relation to his mental health. Ali-Muhammad Shirazi, nurtured within the Sheikhiyya school, took advantage of the political, social, and religious atmosphere of his time, and by exploiting Shia beliefs, first claimed to be the "Báb" (gate) and, during the last two years of his life, claimed Mahdism, prophethood, and divinity. The findings of this research, based

* **Cite this article:** Ghamkhar Fard, F., & Karimi, A. (2024). An Analysis of the Pathological Aspects of Ali-Muhammad Shirazi's Personality in His Claim to Mahdism. *Journal of Mahdavi Society*, 4(9), pp. 163-199. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.69429.1094>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**2024/06/30 ● **Revised:**2024/09/02 ● **Accepted:**2024/11/03 ● **Published online:**2024/11/14

on a psychological analysis of Ali-Muhammad Bab and supported by historical evidence, suggest that he was likely afflicted by two personality disorders: schizotypal personality disorder and antisocial personality disorder. Consequently, belief in any of his claims and the influence on his followers, considering these personality disorders, is deemed irrational.

Keywords

Claimants of Mahdism, Babiya Movement, Mahdist Religious Experience, Ali-Muhammad Shirazi, Personality Disorder.

بررسی وجوه بیمارگونه شخصیت علی محمد

شیرازی در ادعای مهدویت^{۱*}

احمد کریمی^۳ 

فاطمه غمخوار فرد^۲ 

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (نویسنده مسئول).

Fa.gh.6067@gmail.com

۳. دانشیار، گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران.

ahmad.karimi@gmail.com

چکیده

گفتمان مهدویت در طول تاریخ دست‌خوش تحولات متعددی شده است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جامعه منتظر، گرفتار شدن در دام مدعیانی است که با ادعای کسب تجربه‌های دینی و معنوی، زمینه‌ساز تشکیل فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون می‌شوند. یکی از ایشان که بر اساس چنین ادعایی، پایه‌گذار آیین جدیدی در زمان معاصر شده، «علی محمد شیرازی» است. در زمان محاکمه وی، سلامت روانی او مورد تردید عده‌ای قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر این است که با واکاوی زندگی شخصی و اجتماعی علی محمد شیرازی، به روش توصیفی و تحلیل روان‌شناختی، بررسی کند که ادعاهای باب، تا چه حد می‌تواند در ارتباط با سلامت روان او ارزیابی شود. علی محمد شیرازی که در دامان مکتب شیخیه پرورش یافته بود به کمک فضای خاص سیاسی، اجتماعی و اعتقادی که در آن مقطع تاریخی وجود داشت و با سوءاستفاده از عقاید شیعیان، نخست مدعی بابت شد و در طی دو سال آخر عمرش، ادعاهای مهدویت، نبوت و الوهیت کرد. یافته‌های این پژوهش که بر اساس تحلیل روان‌شناختی

* **استناد به این مقاله:** غمخوارفرد، فاطمه؛ کریمی، احمد. (۱۴۰۳). بررسی وجوه بیمارگونه شخصیت علی محمد شیرازی در ادعای مهدویت. جامعه مهدوی، ۴(۹)، صص ۱۶۳-۱۹۹.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.69429.1094>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

علی محمد باب و ناظر به مستندات و شواهد تاریخی است، نشان می‌دهد که وی مشکوک به دو مورد از بیماری اختلال شخصیت اسکیزوتایپی و اختلال شخصیت ضد اجتماعی بود؛ در نتیجه، باورمندی به هر نوع از ادعاهای وی و تأثیرپذیرفتگان از او، با توجه به مسئله اختلالات شخصیتی علی محمد شیرازی، امری غیر معقول است.

کلیدواژه‌ها

مدعیان مهدویت، بابیه، تجربه دینی مهدوی، علی محمد شیرازی، اختلال شخصیت.

مقدمه

در هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که حرکت رو به کمال آن را سست کند. در فرهنگ دینی نیز، آسیب‌های فرهنگ مهدویت از جمله (شخصیت‌پردازی و مدعی‌سازهای مهدوی) از این دست آفات هستند. این در حالی است که امام زمان (عجله الله تعالی فرجه) در آخرین توقیع خود، خطاب به «علی بن محمد سمری»، مسئله ظهور مدعیان دروغین مهدویت را گوشزد کرده و بیان داشتند: «... کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه ادعای مشاهده کند دروغگو است» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، صص ۲-۲۹). برخی از این مدعیان پس از ادعای نیابت، مدعی مهدویت، رسالت و در مواردی مدعی الوهیت نیز بوده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای را بنیان نهاده‌اند. شکل‌گیری شخصیت‌هایی مانند مهدی عباسی، محمد احمد سودانی، محمد بن عبدالله قحطانی، سیدعلی محمد باب در ایران و... نمونه‌هایی از آن است.

به کمک پژوهش‌های میان رشته‌ای، و با مطالعه زندگی و بررسی ابعاد شخصیتی افراد مدعی مهدویت که خود را منتخب الهی در عالم می‌دانند و با این ادعا، روایتگر کسب تجربه‌ی دینی خاصی می‌شوند، می‌توانیم صحت و یا عدم صحت ادعای ایشان را بررسی نماییم، تجربه دینی واقع‌ای است که شخص، خواه به‌عنوان عامل و خواه به‌عنوان ناظر، از سر می‌گذراند و نسبت به آن آگاه است (پترسون، ۱۳۷۹، ص ۳۶)، تجربه‌ای است که «متعلق آن موجود یا حضوری فوق طبیعی یا مرتبط با ماورای طبیعت یا حقیقت نهایی است» (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹)، و به تعبیر روشن‌تر «هر نوع تجربه‌ای است که هر انسانی در ارتباط با خداوند می‌تواند داشته باشد» (لگنهاوسن، ۱۳۷۹، ص ۷).

در کسب تجربه دینی صحت و سلامت روان و اعتقادات فرد تجربه‌کننده، دارای اهمیت است. فرد تجربه‌گر در صورت دارا بودن اختلالات شخصیتی و روان‌شناختی و کسب نکردن صحیح معارف اعتقادی، هرنوع الهام و تخیل شیطانی را با کسب تجربه ناب و حیانی و معنوی اشتباه گرفته و زمینه‌ساز مشکلات فردی و اجتماعی می‌شود. به‌نظر

می‌رسد ادعای باییت از سوی علی محمد شیرازی نیز تحت تأثیر تعالیم شیخیه و اصول اعتقادی صوفیه مطرح شده و میان این دو ارتباط و همبستگی بالایی وجود داشته است. در این مقاله تلاش می‌شود با کاوش تحلیلی در مدعیات، رفتارها و گفتارهای علی محمد شیرازی، نشانگان احتمالی اختلالات شخصیتی که در دانش آسیب‌شناسی روانی مطرح شده است را بدست آوریم. فرضیه اولیه تحقیق این است که میان نشانگان مطرح شده در شناسایی برخی اختلالات شخصیتی و مدعیات و سلوک رفتاری علی محمد باب همبستگی فراوانی وجود دارد. این فرضیه در تحقیق حاضر به محک آزمون قرار خواهد گرفت. و پرسش اصلی این است که، میزان همبستگی رفتارها و گفتارهای علی محمد با نشانگان مطرح شده برای اختلالات شخصیتی چه میزان است؟ و آیا می‌توان با بررسی این نشانگان احتمال برخی اختلالات شخصیتی را در ایشان قوت بخشید؟ روشن است که شناخت ابعاد شخصیتی و انگیزه‌های انحرافی مدعیان مهدویت و معرفی ایشان در جهت آگاهی بخشی و گام برداشتن در مسیر روشن مکتب تشیع امری لازم و ضروری است.

۱. روش تحقیق

تشخیص و تفسیر اختلالات شخصیتی افراد تاریخی که در دوران ما زندگی نمی‌کنند، بسیار دشوار است و نیاز به دانش و تخصص در زمینه‌ی تاریخ، روان‌شناسی و فرهنگ دارد. افزون بر این، این موضوع قابل توجه است که معیارهای روانشناختی که امروزه برای تشخیص اختلالات شخصیتی استفاده می‌شوند، در زمان‌های گذشته وجود نداشتند و نمی‌توان به‌طور مستقیم از این معیارها برای ارزیابی سلامت روان اشخاصی چون علی محمد شیرازی استفاده کرد. با وجود این، برخی از متداول‌ترین معیارهای روانشناختی برای تشخیص اختلالات شخصیت عبارتند از:

۱. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5)، این راهنما توسط انجمن روانپزشکی آمریکا منتشر شده است و به‌عنوان استاندارد طلایی برای تشخیص اختلالات روانی در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر شناخته می‌شود.
۲. طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها و اختلالات مرتبط با سلامت (ICD-11)، این

طبقه‌بندی توسط سازمان بهداشت جهانی منتشر شده است و در بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده می‌شود.

۳. پرسشنامه‌های شخصیت، تعدادی پرسشنامه شخصیت گوناگون وجود دارد که برای ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی افراد استفاده می‌شود.

مهم است که به یاد داشته باشیم که هیچ نظریه و معیار روان‌شناختی واحدی نمی‌تواند به‌طور کامل رفتارها، تصمیمات و اقدامات باب را توضیح دهد. مهم است که به محدودیت‌های استفاده از این ابزارها توجه داشته باشیم.

برای بررسی فرضیه این مقاله، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. تحلیل محتوای کیفی، روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است که در پی شناسایی نمونه‌ها و معانی در متن است. در این پژوهش، داده‌های کیفی، شامل مدعیات و رفتارهای علی محمد باب است که از منابع مختلف، از جمله کتاب‌های تحلیلی، تاریخی و آثار علمی و مکتوب علی محمد شیرازی، مقالات و اسناد تاریخی (مشاهدات عینی، حواریون هم دوره با شیرازی و اعترافات مبلغین بابت) از منابع کهن و اصلی بهائیت، جمع‌آوری شده است و سپس با معیارهای تشخیصی اختلالات شخصیتی در DSM-5 مقایسه می‌شود. در نتیجه این یافته‌ها می‌تواند به درک بهتر شخصیت و رفتارهای علی محمد باب در آن برهه تاریخی و همچنین ریشه‌های بابت کمک کند.

۲. پیشینه‌شناسی

در مورد حوزه مطالعات مدعیان مهدویت و بابت در ایران معاصر با رویکرد مباحث روان‌شناختی لازم است به دو دسته از آثار توجه کنیم، اول آثاری که به‌طور خاص به فرقه بابت و بهائیت مربوط است؛ مانند:

الف) منابع مروج اندیشه‌های بابت و بهائیت:

– نقطة الکاف: اثر میرزا جانی کاشانی (۱۳۲۸) به وقایع هشت سال اول تاریخ بابیه و تأویل روایات و تحریف وقایع تاریخی می‌پردازد. وی از ارادتمندان سیدباب بوده است.

- قصص العلماء: اثر محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۲۸۵) از مهم‌ترین آثار بهائیت که حاوی مشاهدات عینی نویسنده از زندگی علی محمد باب است.
- کشف الغطاء عن حیل الأعداء: اثر ابوالفضل گلپایگانی (۱۹۱۷م) از بزرگ‌ترین مبلغان بهائیت که به دستور عبدالبهاء در پاسخ به شبهات کتاب نقطه الکاف نگاشته شده و شامل اسناد توبه نامه میرزا علی محمد باب است.
- مطالع الانوار: عبدالحمید اشراق خاوری (بی‌تا) ترجمه و تلخیص از کتاب تاریخ نبیل زرنندی به زبان فارسی که شرح طولانی از تاریخ آیین بابی است.
- ظهور الحق: اثر اسدالله فاضل مازندرانی (۱۹۴۰-۱۹۴۲م) حاوی نکاتی از تاریخ بابیه، دست خط‌ها و تصاویر مؤمنین بابی و بهایی و بیان‌کننده تأثیر اندیشه شیخ احساسی برای ادعاهای باب است.
- نظر اجمالی در دیانت بهایی: اثر احمد یزدانی (۱۳۲۹) از متون مهم بهائیت است که به تصویب لجنه ملّی نشریات امری در تهران چاپ شده است.
- ب) منابع مخالف اندیشه بابیت و بهائیت از جمله، کشف الحیل اثر عبدالحسین آیتی (۱۳۲۶) حاوی اطلاعاتی از هجده سال زندگی نویسنده در جمع بهاییان است. مفتاح باب‌الابواب اثر میرزا محمد مهدی خان زعیم‌الدوله تبریزی (۱۳۴۶) که به بررسی عدم حقانیت فرقه بهائیت می‌پردازند.
- ج) منابع تاریخی و تحلیلی در مورد بابیت و بهائیت کتبی از جمله: سازمان سیاسی بهائیت حمیدرضا اسماعیلی (۱۴۰۱)، محاکمه و بررسی در تاریخ و عقاید و احکام باب و بهاء حسن مصطفوی (۱۳۸۶)، راهنمایی ادیان زنده راسل هینلز (۱۳۸۵)، شیخی‌گری و بابی‌گری مرتضی مدرسی چهاردهی (۱۳۴۵)، و مقالاتی مانند: پیشینه‌شناسی و نقد گرایش‌های باطنی بابیت و بهائیت (پرهیزگار و حیدری‌فر، ۱۳۹۶).
- دوم: آثاری که به زمینه انحرافات روان‌شناختی و فرقه‌گرایی می‌پردازد. می‌توان به دو اثر فرقه‌ها در میان ما مارگارت تالرسیگنر (۱۳۹۸) و گسستن بندها حسن استیون (۱۳۹۲) ترجمه ابراهیم خدابنده اشاره کرد؛ همچنین مقالاتی مانند: ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر اثر نعمت‌الله صفری‌فروشانی و

مسلم کامیاب (۱۳۹۵)، بررسی زمینه روان‌شناسی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت اثر مسلم کامیاب (۱۴۰۰). در این آثار تنها به مباحث روان‌شناسی مغزشویی، چگونگی رهایی از فرقه‌ها و زمینه‌های گرایش مردم به فرقه‌ها اشاره شده است؛ اما به شخصیت‌شناسی رهبران و مروجین فرق اشاره‌ای نشده؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد به‌طور ویژه به شناسایی شخصیت و روانکاوی مدعیان با توجه به نگاه روان‌شناسی پرداخته نشده است.

۳. فرقه بابیت

نهیضت بابی‌گری، فرقه‌ای مهدویت‌گرایانه در داخل تشیع بود که در حدود سال ۱۲۲۲ ه.ش، در ایران و عراق شروع شد (راسل هینلز، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴۴). هسته اولیه بابیت به دست گروهی از شاگردان سید کاظم رشتی در شهر کربلا تشکیل شد. سیدعلی محمد، شاگرد سید کاظم رشتی گیلانی و او یکی از شاگردان شیخ احمدزین الدین احسائی بود. کسی که فلسفه و تصوف را به شریعت اسلام مخلوط و میان معتقدات شیعه امامیه و اصول فلسفی به سبک جدید جمع کرد (زعیم الدوله، ۱۳۴۶، ص ۷۲). بایه از سرمایه اجتماعی شیخیه در طول چند دهه گذشته بهره برد و تلاش کرد با سرمایه ساختن آن جریان اجتماعی نوظهوری پدید آورد (تکابنی، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

ماسئونین از محققین بهائیت، در مقاله بهایی‌گری در مورد این بخش از تاریخ ایران نوشته است: «در سال‌های ۱۲۲۰ ه.ش تشیع ایرانی شاهد تغییر و تحولات عظیمی به ویژه در رابطه با مسئله اقتدار و مرجعیت دینی بود. در خلال این سال‌ها حرکت رافضی مهمی به نام شیخی‌گری که از لحاظ دینی ماهیتی محافظه کارانه داشت در ایران و عراق ظاهر شد، که بر ضرورت وحی مستمر از طرف پیامبر و جانشینان وی به نام امامان تأکید می‌ورزید» (راسل هینلز، ۱۳۸۵، صص ۲-۱۱۵۴).

در این برهه از تاریخ سید کاظم رشتی رهبر شیخیه که بین پیروانش رکن رابع بود، بحث مهدویت و ظهور را به‌طور جدی میان شاگردانش مطرح کرده و می‌گفت: «فقط ما شیعه کامل هستیم الان مهدی در بین شماست» (اقتصاد مراغی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). شیخیه در

فروع اجتهاد را جایز ندانسته و اصول دین را منحصر در چهار رکن (معرفة الله، معرفة النبی، معرفة الامام و معرفت شخص کامل) می‌دانند و رکن رابع را وسیله معرفت ارکان سائر دانسته که لازم است همیشه در غیبت امام باب و نایب حقیقی او در میان مردم ظاهر و مشهور باشد (مهدی، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

به نحوی که تمامی شاگردان در انتظار ظهور قریب الوقوع امام علیه السلام به سر می‌بردند، و برای دستیابی به مقام نیابت و بابیت، در جستجوی شیعه کامل و تعیین رکن رابع، عبادت کرده و دست به ریاضت می‌زدند. در این میان حاج محمد کریم خان به عنوان شیخ و شیخیه بنا به دلایلی، خود را جانشین سید کاظم اعلام کرد. و سیدعلی محمد شیرازی، نیز به عنوان باب و باییه ادعای مقام بابیت امام زمان علیه السلام را کرد، همچنین شاگردان دیگری به نام میرزا طاهر، سیدمهدی قزوینی، سیدولی الله، میرزا همدانی و... هر یک مقام بابیت و نائبی امام علیه السلام را مدّعی شدند (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳).

دنيس ماسئونين در این باره پیدایش بابیت می‌نویسد: «در ابتدای سال ۱۲۲۳ه.ش رهبر فرقه شیخیه در عراق فوت کرد و فرقه وی به سرعت در موضوع جانشینی نامبرده دچار افتراق و دو دستگی شد. رادیکال‌ترین انشعاب توسط گروهی از علمای ایران ابتدا در شیراز و سپس در مراکز زیارتی شیعیان کربلا و نجف در عراق به وجود آمد. این گروه بر پایه ادعاهای یک تاجر شیخی ایرانی به نام سیدعلی محمد شیرازی قرار داشت که می‌گفت «باب» (دروازه بین مردم و امام دوازدهم «غایب» است)، (راسل هینلز، ۱۳۸۵، صص ۲-۱۱۵۴). این نقطه شروع به عنوان مبداء تاریخ باییان موسوم به «تاریخ بدیع» شمرده شد.

از بنیان‌گذاران و مؤسسان تشکیلات بابیت، اعضای حلقه کوفه می‌باشند که بعدها در تاریخ نگاری بابیت و بهائیت به حروف حی معروف شدند. مطابق تاریخ‌نگاری بابی بهایی حروف حی اول مؤمنان به علی محمد شیرازی هستند که تعداد آنها هجده نفر است در حالی که براساس روایت میرزاجانی کاشی می‌توان گفت، آنها نه مؤمنان به بابیت بلکه خود پدیدآورندگان بابیت هستند. این نکته بسیار مهمی است که از پیدایش بابیت و تاریخ آن رمزگشایی و اسطوره زدایی می‌کند (اسماعیلی، ۱۴۰۱، ص ۳۴).

سیدعلی محمد شیرازی (ملقب به باب) بنیانگذار فرقه بابیه بررسی پیشینه تاریخی و عقاید علی محمد شیرازی کمک بسزایی به شناخت شخصیت فردی و اجتماعی و ریشه‌یابی علل ادعاهای او می‌کند و راز حقانیت و یا بطلان ادعا و اندیشه‌های او را آشکار می‌سازد.

فرقه‌ی «بابیه» به دست میرزا علی محمد شیرازی، ملقب به «باب» تأسیس شد. بابیه او را «حضرت اعلی» و «نقطه‌ی اولی» (آیتی، ۱۳۴۳، ج ۱، صص ۲-۲۱۹) هم لقب داده‌اند. او در اول محرم سال ۱۲۳۵ه.ش در شیراز به دنیا آمد. وی فرزند سیدرضا بزاز و فاطمه بیگم بود. در طفولیت، پدرش را از دست داد و تحت حمایت دایی خود حاجی سیدعلی تربیت یافت.

بایان معتقدند وی امی و درس نخوانده بود و تمام معارفش را با وحی و الهام فراگرفت. می‌گویند: «در مدت ۴ ساعت، هزار سطر عربی یا فارسی را در نهایت خوبی کتابت می‌کرد و این خطبه‌ها و رساله‌ها را بدون تهیه و تدارک قبلی گفته است» (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶، ص ۷۴)؛ اما علی محمد در شیراز نزد شخصی به نام شیخ محمد (شیخ عابد) که از شاگردان رؤسای شیخیه بود قسمتی از ادبیات فارسی و عربی، قرآن و آموزه‌های شیخیه را آموخت. و از همان دوران، زمینه‌های آشنایی وی با نام رؤسای شیخیه (احسائی و رشتی) فراهم شد. هر چند وی در نوشتن مطالب به زبان فارسی و بویژه عربی دچار اشتباهات فاحشی بود و بدین دلیل بارها تنبیه بدنی شده بود (اشراق خاوری، بی‌تا، ص ۶۳).

علی محمد در حدود هفده سالگی دست از تحصیل کشید و همراه دایی خویش که یکی از تاجرین شهر بود حدود پنج سال در بوشهر اقامت گزید. در آنجا شغل پدر را پیشه خود ساخته و با داد و ستد روزگار خویش را می‌گذراند (رضانژاد، ۴۰۲، ص ۱۳۸۱). علی محمد در بوشهر چندان به کسب و تجارت علاقه‌ای نداشت و بیشتر اوقات گوشه‌نشینی اختیار کرده و در پشت بام به نماز و زیارت عاشوراء و گریه و سوگواری مشغول می‌شد به طوری که در میان مردم به (سیدذکر) مشهور شد (مصطفوی، ۱۳۸۶، صص ۱-۳۴). عبدالبهاء در این باره می‌نویسد: «باب جوانی بود تاجر از سلاله طاهره، پس از

بلوغ در بوشهر اوّل بشراکت خال و بعد مستقلاًّ به تجارت مشغول بوده و به حسب آنچه از او مشهود بود مشهور بتدین و تعبّد و صلاح و تقوی و باین صفات منظور نظر ناس بوده» (عبدالبهاء، ۱۳۰۸، ص ۱).

سیدعلی از همان اوقات مشغول به تألیف نیز شد (مصطفوی، ۱۳۸۶، صص ۱-۳۴). وی طی ۴ سال کتاب‌های از جمله: ۱- احسن القصص ۲- زیارت جامعه ۳- دلائل السبعه ۴- صحیفه عدلیه ۵- الواح خطه ۶- بیان عربی ۷- بیان فارسی. (ایلیایی، ۱۳۸۲، ص ۱۸) ۸- قیوم الاسماء ۹- پنج شأن (راسل هینلز، ۱۳۸۵، صص ۲-۱۱۹۳) را به نگارش در آورد.

در بوشهر سیدعلی محمد با افرادی که با علوم غریبه مأنوس بودند، نشست و برخاست کرد و شدیداً تحت تأثیر آنها قرار گرفت (اقتصاد مراغی، ۱۳۹۰، ص ۱۳)، و به کارهای عجیبی مانند تسخیر ستارگان دست می‌زد. در هوای گرم تابستان از سپیده دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می‌خواند (اشراق خاوری، بی‌تا، صص ۶۴-۶۳) به گونه‌ای که مردم او را آفتاب پرست می‌خواندند. صاحب تاریخ نیل با نگاهی دیگر این رفتار باب را نقل می‌کند: «آفتاب در نهایت حرارت می‌تابید و لکن هیکل مبارک قلباً به محبوب واقعی متوجه و بدون آن که اهمیتی به شدت گرما بدهند به مناجات و نماز مشغول بودند و به مانند عاشقی به معشوق خود توجه کرده و با لسان قلب با نیرّ اعظم به راز و نیاز می‌پرداختند. ولی مردم نادان و غافل چنان می‌پنداشتند که آن حضرت آفتاب پرست هستند» (اشراق خاوری، بی‌تا، ص ۶۲).

زعیم الدوله معتقد است در جریان این ریاضت دشوار قوای جسمانی او تحلیل رفته و نوعی نوبه عصبی بر وی عارض شده است (زعیم الدوله، ۱۳۴۶، ص ۷۵).

علی محمد، پس از آن در حدود نوزده سالگی به خواست دایی خویش جهت زیارت و شفا راهی کربلا شد و در آنجا با مسئله‌های عرفانی، تفسیر، تأویل آیات و احادیث و مسئله‌های فقهی به روش شیخیه آشنا شد، و در سلک مریدان سید کاظم رشتی در آمد (رضانژاد، ۱۳۸۱، ص ۴۰۴). نویسنده کتاب قصص العلماء که در آن دوره در کربلا طلبه بوده درباره حضور باب در کلاس درس کاظم رشتی می‌نویسد: «در همان

زمان که مؤلف کتاب در عتبات مشرف بودم و چند وقتی به درس حاجی سید کاظم تلمذ می نمودم. میرعلی محمد هم به درس او می آمد و قلم و دواتی همراه داشت و هرچه سید کاظم می گفت از رطب و یابس، او در همان مجلس درس می نوشت» (تکابنی، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

برخی از محققین بابی نوشته اند علی محمد به درس سید کاظم حاضر نمی شد، بلکه به مجلس موعظه می رفت آن هم برای افاضه و استفاضه (اقتصاد مراغی، ۱۳۹۰، ص ۱۳).
 بابیان در روز نخست باب را موعده اسلام و قائم منتظر می دانستند. سیدعلی محمد خود را «مبشر ظهور بعدی شمرده و او را «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ» خوانده است» (سلیمان، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۱۳). ولی در ادامه از روی فراست در آثار او و اعمال قدما و معاصرین وی، بر این قایل شدند که باب را مقصود کلی از قیام و دعوت و فرستادن رسائل و بیان پاره مسئله های جز انقلاب در عالم افکار و دیانت و حصول آزادی چیز دیگری نبوده (مهندی، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

۴. باب (علی محمد شیرازی)

۴-۱. ادعای باییت

پس از درگذشت سید کاظم رشتی، ملاحسین بشرویه ای در دیدار با سیدعلی محمد، علائم قائم را برای او بازگو می کند و می گوید که براساس دستورهای استاد خود در پی قائم موعود است. علی محمد ادعا می کند که این نشانه ها در او هویداست، و پس از چند پرسش و نزول سریع کتاب «قَیُومُ الْأَسْمَاء» توسط علی محمد، ملاحسین به او ایمان می آورد. بالاخره میرزا علی محمد، در ۵ جمادی الاولی ۱۲۶۰ه.ق در ۲۵ سالگی ادعای باییت خود را علنی کرده، و اعلام می کند: «من باب و نایب خاص امام زمان و از ناحیه آن حضرت مأمور هستم» (محمدی اشتهازدی، ۱۳۸۹، صص ۱-۴۵). اشراق خاوری در باب این اعلام عمومی می نویسد: «در سال ۱۲۶۱ق با نوشتن رساله خصائل سبعة و رساندن آن به دست ملاصادق خراسانی، از ادعای باییت خود پرده برداشت» (اشراق خاوری، بی تا، ص ۱۲۲). باب پس از مراجعت از مکه، در رساله ای به حضرت قدوس (ملاحمدعلی بارفروش)

اولین فرمان خود را صادر کرد «بر اهل ایمان واجب است در اذان نماز جمعه جمله‌ی اشهد ان علیا قبل نبیل باب بقیة الله که به حساب ابجد (نبیل ۹۲ است و محمد هم ۹۲) را اضافه کنند» (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

۲-۴. ادعای قائمیت

پس از مدتی که از دعوت سیدعلی محمد سپری شد و گروهی به او گرویدند، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال می باشد که منتظر آن می‌باشید» (کاشانی، ۱۳۲۸، ص ۱۳۵)، و این ادعا را کتبا به مقربان خود ابلاغ کرد «انا القائم الذي كنتم بظهوره تنتظرون» (فاضل مازندرانی، ۱۹۴۰-۱۹۴۲، ص ۱۷۳)؛ همچنین برای خواص خود از جمله ملاعلی ترشیزی خراسانی که از یاران با وفایش بود، ادعای قائمیت خود را اظهار کرد. اشراق خاوری در تلخیص تاریخ نبیل زرنندی در این باره می‌نویسد: «در شب دوم پس از وصول باب، حضرت باب جناب عظیم را احضار فرمودند و علنا در نزد او به قائمیت اظهار نمودند. عظیم چون این دعا را شنید در قبول مردد شد. حضرت باب به او فرمودند: من فردا در محضر ولیعهد (ناصرالدین میرزا) و حضور علما و اعیان ادعای خود را علنی خواهم کرد. عظیم گفت من آن شب تا صبح نخوایدم، بالاخره پس از فکر و تأمل به قائمیت او ایمان آوردم چون باب چنین دید گفت. بین امر چقدر مهم است که امثال عظیم‌ها به شک می‌افتند» (اشراق خاوری، بی‌تا، ص ۲۵۱).

۳-۴. ادعای رسالت

علی محمد شیرازی به ادعاهای واهی «بابیت»، «ذکریت» و «مهدویت» بسنده نکرد و انحراف و گمراهی را به اندازه‌ای رسانید که مقام ادعای مهدویت را به مرتبه «رسالت» تبدیل کرد و مدعی نزول کتاب جدید و دین نو شد و به گمان خود احکام جاودانه‌ی اسلام را با نوشتن کتاب بیان نسخ کرد. وی در این باره نوشت: «در هر زمان خداوند جل و عزّ، کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می‌فرماید در سده هزار و دویست

و هفتاد از بعثت رسول الله ﷺ کتاب بیان و حجت را ذات حروف (سبع علی محمد) که دارای هفت حرف است قرار داد» (رضانزاد، ۱۳۸۱، ص ۴۰۹).

۴-۴. ادعای الوهیت توسط باب

شواهد و مدارک در دست است که میرزاعلی محمد ادعای الوهیت نیز کرده است. ابوالفضل گلپایگانی در کشف الغطا می نویسد: «باب در ماکو پرده برداشت و ندای قائمیت و ربوبیت و شارعیّت سر داد» (گلپایگانی، ۱۹۱۷، ص ۳۴۱). و در جای دیگر آورده است: «لکن پس از ادعاهای بابی گری، مهدویت و نبوت، با توجه به شماره حروف نام خود و کلمه «رب»، خود را «رب الاعلی» نامیده و ادعای ربوبیت و الوهیت نمود» (گلپایگانی، ۱۹۱۷، ص ۴۰۲).

آری، باب این مطلب متضاد را می گوید: «به راستی عجیب است، خداوند در عین اینکه فرد است، می تواند فردیت را به کسی بدهد!» تا به ادعای خدایی خودش لطمه وارد نیاید که می گوید: «أَتُنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا كُنْتُ مِنَ أَوَّلِ الْذِي لَا أَوَّلَ فَرْدًا مُنْفَرِدًا» (محمّدی اشتهازی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴/۱)؛ همچنین در رساله‌ی للثمرة خطاب به میرزا یحیی (صبح ازل) می گوید: «يا اسم الانزل فاشهد على انه لا اله الا انا العزيز المحبوب» (ایلیایی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

۴-۵. سرنوشت این مدعی

در زمانی که هنوز از ادعای بابیت امام زمان فراتر نرفته بود به دستور والی فارس در رمضان ۱۲۶۱ق دستگیر شد و پس از تنبیه، در نزد امام جمعه شیراز اظهار توبه کرد (اشراق خاوری، بی تا، ص ۱۴۱). پس از آن به قلعه ماکو تبعید در آن دوران کتاب بیان را نوشت و در ملاقات و مکاتبه با مریدانش سخنانی را به عنوان کلمات الهی به ایشان عرضه داشت. (یزدانی، ۱۳۲۹، ص ۱۳).

در اواخر سلطنت محمد شاه، در مجلسی با حضور ولیعهد ناصرالدین میرزا و چند تن از علما در تبریز، علی محمد آشکارا از مقام مهدویت خود سخن گفت و «بابیت امام

زمان را که پیش از آن به تصریح ادعا کرده بود به بابت علم خداوند تأویل کرد» (ایلیایی، ۱۳۸۲، صص ۱۵-۱۶). علما این قضیه را وهن شریعت شمرده نپذیرفتند و به گفته مک ایون باب به صورت غیررسمی در آن مجلس از سوی بسیاری از علمای حاضر محکوم به مرگ شد. اما رأی بر جنون در این زمان مطرح شد تا مانع اعدام باب شوند.

نویسنده مقاله شخصی سیاح می‌نویسد: «باب‌اهمیتی به این شور و آشوب نداده در نهایت جذب و وله در اثنای طریق و قلعه ماکو و چهریق شام و سحر بلکه روز و شب خود را بذکر و فکر و اوصاف و نعوت آن شخص غائب حاضر و منظور ناظر خویش حصر نموده بود چنانچه ذکر می‌نماید که مضمونش اینست: «اگرچه دریای بلا از هر جهت در تلاطم و سهام قضا در تتابع و ظلمات آلام و محن مستولی بر جان و تن است لکن قلبم بیاد روی تو روشن و جانم بیوی خوی تو گلشن است». (عبدالبهاء، ۱۳۰۸، ص ۶).

از مرگ محمدشاه و بالا گرفتن فتنه بابیه، امیرکبیر تصمیم گرفت او را در ملأ عام به قتل برساند و از این راه آتش شورش‌ها را فرو نشاند. برای این کار از برخی علما فتوا خواست، ولی به گفته ادوارد براون: «دعاوی مختلف و تلّون افکار و نوشته‌های بی‌مغز و بی‌اساس و رفتار جنون‌آمیز او علما را بر آن داشت که به علت شبهه خبط دماغ بر اعدام وی رأی ندهند. با وجود این برخی از علماء که احتمال خیط دماغ درباره سیدعلی محمد را نمی‌دادند و او را مردی دروغگو و ریاست طلب می‌شمردند به قتل وی فتوا دادند» (محیط طباطبایی، بی‌تا، ص ۷). و سیدعلی محمد به همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

۵. وجوه بیمارشناسانه در ادعاهای علی محمد باب^۱

از آنجا که موضوع علم روان‌شناسی، بررسی و مطالعه فرایندهای ذهنی است روان‌شناسی می‌تواند در نقش یک علم میانجی، علوم انسانی را بهم مرتبط نماید. مطالعه بین رشته‌ای

۱. این بخش با مشورت سرکارخانم مرضیه آقامحمدرضا، دانش آموخته کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه خوارزمی تدوین شده است.

این امکان را به ما می‌دهد تا یک موضوع را از نگاه‌های گوناگون مورد بررسی تطبیقی قرار دهیم.

از جمله مباحث مورد توجه در علم روان‌شناسی بالینی مبحث اختلال شخصیت است. اختلال شخصیت نمونه‌ی پایدار تجربه درونی و رفتار است که با انتظارات فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند مغایرت قابل ملاحظه‌ای دارد، و در ارتباط با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و مذهبی تعریف می‌شود. فراگیر و انعطاف‌ناپذیر است، در نوجوانی یا اوایل بزرگسالی شروع می‌شود، در گذر زمان پایدار است و به ناراحتی یا نقص منجر می‌شود. تشخیص اختلال‌های شخصیت به‌طور معمول مستلزم ارزیابی نمونه‌های دراز مدت عملکرد شخص است و باید مشخص شود که ویژگی‌های شخصیتی خاص از اوایل دوران بزرگسالی در او وجود داشته‌اند. اختلال شخصیت بنابر تعریف، نمونه‌ی پایداری است از تفکر احساس و رفتاری که در گذر زمان، از ثبات نسبی برخوردار است.

با توجه به داده‌ها و اطلاعات ذکر شده در منابع تاریخی و مطالعات انجام شده در این نوشتار به نظر می‌رسد، علی‌محمد شیرازی می‌تواند مشکوک به دو مورد از (اختلال شخصیت) تعریف شده در علم روان‌شناسی باشد. بیانا است به دلیل محدودیت اطلاعات موجود از تمامی زوایای پنهان و آشکار زندگی و شخصیت فردی علی‌محمد، تعیین نکات مثبت و منفی شخصیت ایشان به‌عنوان مدعی یک تجربه دینی اثر گذار در بستر تاریخ تشیع، با محدودیت‌های روبه‌رو است. و این امکان وجود دارد که با تغییر داده‌ها، قضاوت در مورد ایشان نیز دستخوش تغییراتی شود. در ادامه دو مورد اختلال شخصیت منطبق با علی‌محمد شیرازی مورد بررسی می‌شود.

مورد اول: اختلال شخصیت ضد اجتماعی

اختلال شخصیت ضد اجتماعی، سیری مزمن دارد. اما ممکن است با افزایش سن و به‌ویژه پس از سی سالگی به‌تدریج خفیف‌تر شود یا بهبود یابد. بیماران دچار این اختلال بیشتر ظاهری طبیعی و حتی گرم و دوست‌داشتنی دارند و بیشتر دیگران را تحت تأثیر

جنبه‌های مبالغه‌آمیز و اغواگرانه شخصیت خود قرار می‌دهند. (سادوک، ۱۳۹۲، ص ۴۱۸) از این نمونه با عناوینی چون بزهکاری روانی، جامعه ستیزی، یا اختلال شخصیت غیر اجتماعی و اختلال شخصیت مردم ستیز نیز یاد می‌شود؛ این اختلال با ۳ مورد از ویژگی‌های زیر مشخص و قابل انطباق به فرد کاندید اختلال است. ملاک‌های تشخیص:

۱. ناتوانی در پیروی از هنجارهای اجتماعی مرتبط با رفتارهای قانونی که با انجام مکرر اعمالی مشخص می‌شود و زمینه بازداشت شدن را فراهم می‌کند؛
۲. فریبکاری که با دروغ‌گویی مکرر، استفاده از نام‌های مستعار، یا کلاهبرداری برای نفع شخصی یا کسب لذت مشخص می‌شود؛
۳. تکانشی‌بودن یا ناتوانی در برنامه ریزی برای آینده‌ی
۴. تحریک‌پذیری و پرخاشگری که با زد و خورد و درگیری‌های مکرر مشخص می‌شود؛

۵. بی‌پروایی و بی‌ملاحظه‌بودن نسبت به امنیت خود و دیگران؛
۶. مسئولیت ناپذیری؛
۷. نبود پشیمانی که با بی‌تفاوتی، یا دلیل تراشی برای آزار و اذیت دیگران یا دزدیدن اموال آنها مشخص می‌شود؛
۸. باید دست کم ۱۸ سال داشته باشند. (انجمن روان پزشکی امریکا (SM-5 D) ۱۳۹۶، صص ۱۱۰۳-۱۱۰۵).

ویژگی‌های تشخیصی اختلال شخصیت ضد اجتماعی در علی محمد بر اساس شواهد تاریخی:

چنانچه گذشت، بیان شد که ویژگی‌های اصلی اختلال شخصیت ضد اجتماعی عبارت است از:

- ۱- وجود نمونه‌یی فراگیر از بی‌اعتنایی و تجاوز به حقوق دیگران که از کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می‌شود و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.
- (موارد گزارش شده از بی‌توجهی علی محمد به نصایح دایی خویش در سن نوجوانی نشان از بی‌اعتنایی وی است.) در جریان این ریاضات دشوار، دایی‌اش در کار او

سرگردان ماند و هرچه او را پند و اندرز می‌داد سودی نمی‌داد؛ ابتدا او را از این اعمال طاقت فرسا منع می‌کرد ولی او از امر دایی خود سر می‌پیچید و با نواهی او مخالفت می‌کرد» (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶، ص ۷۵). در نخستین گزارش انگلیسی‌ها درباره بابت آمده است: «پیروان این مسلک تصور می‌کنند که باید سلطنت مقدسین بر دنیا حکم فرما باشد پس بر این مقدسین قانونا رواست که مال و ثروت کفار را به هر نحوی که باشد تصاحب کنند» (اسماعیلی، ۱۴۰۱، ص ۷۶). نایب سرهنگ از ماموران وقت انگلیس در گزارش خود در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۲۲۹ش در توصیف باب نوشته است «باب مدعی است گرویدن به بابی‌گری صحیح است، ولی اعمال زور مجاز نیست مگر نسبت به مسلمانان که قتلشان در همه موارد مجاز می‌باشد، زیرا آنان دشمنان باب و مریدانش هستند» (اسماعیلی، ۱۴۰۱، ص ۷۸).

۲- یکی دیگر از ویژگی‌های محوری اختلال شخصیت ضداجتماعی، فریبکاری و بازی دادن دیگران است. این افراد برای تمایلات حقوق یا احساسات دیگران احترامی قایل نیستند به‌طور معمول برای کسب منفعت یا لذت بردن یا اعمال قدرت دیگران را فریب یا بازی می‌دهند.

(در این زمینه گزارش‌های از مکتوبات علی‌محمد، مبلغین بهائیت و منتقدین بابت آورده شده از جمله شیرازی در ادعاهای خود، از امی بودن سخن می‌گفت تا تازگی و بدیع بودن ادعاهای خود را به مخاطب القا کند؛ همچنین عبدالبهاء می‌نویسد: «حضرت باب تألیفات کثیره در شرح و تفسیر آیات قرآنیّه و خطب و مناجات عربیّه نموده و چون در میان مردم مشهور به عدم تعلیم و تعلّم بوده در نظر ناس این قضیه خارق‌العاده جلوه کرده بعضی از ناس باو گرویدند» (عبدالبهاء، ۱۳۰۸، ص ۳)؛ اما وقایع نگاران بهایی بر علم‌آموزی وی گواهی می‌دهند. نبیل زرنندی تاریخ‌نگار بهایی می‌نویسد: «جناب خال ایشان را برای درس خواندن نزد شیخ عابد بردند هر چند حضرت باب به درس خواندن میل نداشتند ولی برای آنکه به میل خال بزرگوار رفتار کنند به مکتب شیخ عابد تشریف بردند» (اشراق خاوری، بی‌تا، صص ۶۲ - ۶۳).

در جای دیگر آورده‌اند: زی سیادت و طلبگی و کسوت روحانیت و خوی خوش و

سیمای جذاب و قیافه محبوب او توجه بوشهریان را جلب کرد و جمعی را مجذوب و مرید او ساخت (سلیمان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) و به دلیل ریاضت‌های طولانی معروف به سیدذکر در میان مردم شد (مصطفوی، ۱۳۸۶، صص ۳۴/۱). علی محمد نه تنها وعده‌های دروغین به پیروان خود می‌داد بلکه می‌کوشید تا مخالفان خود را نیز با این قبیل وعده‌ها جلب کند. چنانچه در نامه‌اش به میرزا آغاسی وزیر محمد شاه قاجار می‌نویسد: «به زودی پادشاهان را در پیشگاه ما خواهی دید و هرچه را بر زمین است در خزائن ما می‌بینی و خدا نیرومند و ستوده است» (شیرازی، بیان فارسی، ص ۱۵۲) در گزارش سفارت وقت انگلیس آمده: «خود باب اعلام داشته است که از انتظار مردم ناپدید شده ولی قرار است دوباره در زمین پدیدار شود و مدعی است که احکامش بین مریدان وی (که نه تنها به عنوان پیشوای مذهبی به او حرمت می‌گذارند بلکه افرادی او را به عنوان سلطان عصر جهان که سایر سلاطین باید طوع عبودیتش را گردن بنهند نیز اطاعت می‌نمایند) جانشین فرامین قرآن می‌باشد» (اسماعیلی، ۱۴۰۱، ص ۷۶). این‌ها مواردی از فریبکاری و خودارزیابی مثبت و متکبرانه و جاذبه سطحی و دروغین وی است.

۳- مبتلایان اختلال شخصیت ضد اجتماعی از هنجارهای اجتماعی تبعیت نمی‌کنند و قادر به انجام رفتارهای قانونمند نیستند. در زندگی علی محمد مواردی چون: وقتی باب ظهور کرد اولین کارش، نسخ قرآن کریم و اعلام اتمام دوره اسلام بود و به جای قرآن کریم، کتابی به نام «بیان» آورد (کاشانی، ۱۳۲۸، ص ۱۱) در جای دیگر محمد تنکابنی در قصص العلماء می‌نویسد: «آنکه روزی در بالای سر مطهر آن حضرت باشخصی مقدس صالح نشسته بودیم دیدیم همین سید داخل شد و درب حرم ایستاد و زیارتی کرد و از همانجا مراجعت کرد من از آن مقدس استفسار کردم که این شخص کیست، آن مقدس در جواب گفت که این مرد میر علی محمد شیرازیست و از تلامذه حاجی سید کاظم است. من گفتم که این مرد چرا باین قسم زیارت می‌کند آن شخص گفت برای اینکه این قسم را اقرب باحترام می‌داند. من گفتم این غلط است زیرا که زیارت از جمله عبادات است و نحوی که ما مأمور شده‌ایم و امامان بما تعلیم کرده‌اند باید زیارت کنیم و ایشان فرموده‌اند که پهلوی قبر مطهر رویم و قبر اطهر را در بغل بگیریم» (تنکابنی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)

کینیا دالگور کی وزیر مختار وقت روسیه در تهران در گزارش‌های خود، از بابت به‌عنوان گروه متعصب مذهبی فنادیک یاد می‌کند که دارای آثار مخربی هستند. بابت را یک فرقه بی‌بندوبار می‌نامد و معتقد است: «این عناصر که پای‌بند اصول مدنیت نیستند و مالکیت افرادی که جزو فرقه آنها نیستند را محترم نمی‌شمارند، بسیار خطرناک می‌باشند و وزرای ایران چون نظام اجتماعی خود را در خطر می‌بینند بر آن می‌شوند که عده‌ای از پیروان این فرقه را دستگیر نمایند» (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۵، ص ۱۸۲). ادعاهای علی محمد در طی ۴ سال که از ذکر و بابت شروع و به الوهیت ختم شد و بی‌توجهی وی به تذکرات مراجع در مورد ادعاهایش به‌طور مثال در تبریز در جلسه‌ای شرکت کرد و چنین گفت: «ای علما آیا هنگام آن فرا نرسیده که هوا را پشت سر بیندازید و هدایت را پیروی کنید. پیغمبر پس از خود جز قرآن به جا نگذاشته و این نیز کتاب من «بیان» است. آن را تلاوت و قرائت کنید که بر شما معلوم شود که عبارت آن از قرآن فصیح‌تر و احکامش راسخ‌تر از احکام قرآن است. نصیحت مرا بپذیرید پیش از آنکه شمشیر در میان شما کشیده شود و گردن‌هایتان زده و خونتان ریخته شود. پس جان و اطفال و امواتان را محفوظ بدارید و نصیحت مرا گوش فرادهید» (اقتصاد مراغی، ۱۳۹۰، ص ۱۴) قابل مشاهده است که نشان محکمی بر مخالفت وی با قوانین دین و مذهب و قانونمند نبودن وی است.

۴- ممکن است این افراد بارها مرتکب اعمالی شوند که زمینه بازداشت شدنشان را فراهم کنند. گفته شد که سیدعلی محمد در زمانی که هنوز از ادعای بایست امام زمان فراتر نرفته بود به دستور والی فارس دستگیر و به شیراز فرستاده شد. پس از آشکارشدن عجزش در اثبات ادعای خود، او را چوب زده تنبیه کردند و وی در ظاهر از دعاوی خویش تبری جست و اظهار پشیمانی کرد. حضرت باب در حضور امام جمعه رو به جمعیت کرد و گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند، لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند، لعنت خدا بر کسی که بگوید من منکر وحدانیت خدا هستم، لعنت خدا بر کسی که مرا منکر نبوت حضرت رسول ﷺ بداند، لعنت خدا بر کسی که مرا منکر انبیاء الهی بداند» (ایلیایی، ۱۳۸۲، ص ۱۲)، اما دوباره در مجلس تبریز ادعای خود را مطرح کرد.

۵- همچنین این افراد ممکن است بارها دروغ بگویند، برای خود نام مستعار برگزینند، کلاهبرداری کنند، یا دست به تمارض برند و از پیامدهای اعمالشان هم احساس پشیمانی نکنند. (ادعاهایی ذکریت، بایت، مهدویت، الوهیت که در بخش اول بدان اشاره شد نمونه بارز دروغ‌های علی محمد است).

۶- مبتلایان اختلال شخصیت ضد اجتماعی، بطور معمول تحریک پذیر و پرخاشگرند و ممکن است مکرر در گیر کشمکش‌های فیزیکی یا مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شوند. به‌طور معمول اقدامی در جهت جبران یا اصلاح رفتارهایشان انجام نمی‌دهند و ممکن است بر این عقیده باشند که هر کسی باید به فکر خودش باشد و به هیچ وجه نباید زیر بار حرف زور رفت (در مستندات تاریخی سیدعلی محمد نسبت به افرادی که بابتی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده، چنانکه در الواح بیان، دربارهٔ وظیفهٔ اولین فرمانروای بابتی می‌گوید: «چون (فرمانروای بابتی) توانایی یافت، هیچ کس - جز بابتی‌ها- را بر روی زمین باقی نگذارد» (شیرازی، بیان فارسی، ص ۲۶۲)، و در بیان فارسی، فرمان می‌دهد که همهٔ کتاب‌ها را محو و نابود کنند جز کتبی که دربارهٔ آیین وی پدید آمده یا می‌آید و همچنین تأکید کرده است که «پروانش جز کتاب بیان و آنچه بدان وابسته می‌شود، نیاموزند» (شیرازی، بیان فارسی، ص ۱۹۸) و از احکام وی این است که «به محض قدرت یافتن یکی از پیروان او باید تمام بقاع مقدس مانند مکه و بیت‌المقدس و قبور انبیا و اولیا را خراب کند» (زعیم الدوله تبریزی، ۱۳۴۶، ص ۶۹).

۷- یکی دیگر از وجوه اختلال شخصیت اجتماعی این افراد این است که ایشان بی‌پروا نیز هستند و به امنیت خودشان یا دیگران اهمیتی نمی‌دهند. آشوب‌های مریدان وی در کشور در اواخر سلطنت محمدشاه و پس از مرگ او به دستور علی محمد باب، از این نمونه است.

(رویداد قلعه شیخ طبرسی در مازندران که در این آشوب، جمعی از بابیان به رهبری ملاحسین بشرویه‌ای و ملامحمدعلی بارفروشی، قلعه طبرسی را پایگاه خود قرار دادند و اطراف آن را خندق کردند و خود را برای جنگ با قوای دولتی آماده ساختند. از سوی دیگر بر مردم ساده‌دل که در اطراف قلعه زندگی می‌کردند، به جرم «ارتداد» هجوم

آورده به قتل و غارت ایشان می‌پرداختند، به گونه‌ای که یکی از بایبان می‌نویسد: «جمعی رفتند و در شب یورش برده، ده را گرفتند و یک صدوسی نفر را به قتل رسانیدند. تتمه فرار نموده، ده را حضرات اصحاب حق، خراب نمودند و آذوقه ایشان را جمیعاً به قلعه بردند (کاشانی، ۱۳۲۸، ص ۱۶۲).

۸- افزون بر این مبتلایان اختلال شخصیت ضد اجتماعی به‌طور معمول همواره و به شدت مسئولیت ناپذیرند. شاهد مثال این مورد در شخصیت علی‌محمد (گفته شد که وی با وجود زحمات و حمایت‌های خال خویش در دوره نوجوانی کار و تحصیل را رها کرده و به گوشه‌نشینی و ریاضت طلبی روی می‌آورد؛ همچنین در توبه نامه خود منکر ادعاها شده و مسئولیت اقدامات و شورش‌های به پا شده توسط خود و یارانش را برعهده نمی‌گیرد. «و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده، دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه‌الله علیه السلام را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعای دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایات سلطانی و رأفت و رحمت خود، سرفراز فرمایند و السلام» (گلپایگانی، ۱۹۱۷، صص ۲۰۴-۲۰۵).

ممکن است ویژگی‌های شخصیتی یک فرد با ملاک‌های تشخیصی یک یا چند اختلال شخصیت دیگر نیز مطابقت داشته باشد، می‌توان همه آن تشخیص‌ها را مطرح کرد. به‌طور مثال مبتلایان اختلال شخصیت ضد اجتماعی و اختلال شخصیت خودشیفته از نظر یکدندگی، چرب زبانی، سطحی بودن، استثمارگر بودن و فقدان همدلی شبیه به هم هستند. اما مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی بر خلاف اختلال شخصیت خودشیفته چندان نیازمند تحسین و تشویق نیستند و به دیگران غبطه نمی‌خورند.

و یا مبتلایان اختلال شخصیت ضد اجتماعی و اختلال شخصیت نمایشی از نظر تکانشگری، سطحی بودن، هیجان طلبی، بی‌پروایی، اغواگری و بازی دادن دیگران به هم شبیه‌اند. درحالی که مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، دیگران را با هدف منفعت طلبی و قدرت طلبی، یا با هدف کسب رضایت‌مندی مادی، بازی می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان گفت، صفات شخصیتی ضد اجتماعی فقط زمانی به‌عنوان اختلال

شخصیت ضدا اجتماعی تشخیص داده می‌شوند که انعطاف ناپذیر و پایدار باشند و سبب بروز آشفتگی ذهنی یا نقص عملکردی چشمگیری شوند (انجمن روان پزشکی امریکا DSM-5، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰۸).

مورد دوم: اختلال شخصیت اسکیزوتایپی

اختلال شخصیت اسکیزوتایپی از روند به نسبت ثابتی برخوردار است. افراد مبتلا به این اختلال به نظر افراد غیر متخصص هم بسیار عجیب و غریب می‌آیند. تفکر جادویی، عقاید منحصر به فرد، افکار انتساب به خود، مسخ واقعیت، همگی جزء زندگی هر روزه فرد اسکیزوتایپی است (سادوک، ۱۳۹۲، ص ۴۱۶). مبتلا به این اختلال ممکن است ابتدا در دوران کودکی و نوجوانی و در قالب گوشه‌نشینی، روابط محدود با همسالان، اضطراب اجتماعی، افت تحصیلی، حساسیت بیش از حد، افکار و گفتار غیر عادی و خیال پردازی‌های نامتعارف بروز یابد. این اختلال با ۵ مورد از ویژگی‌های زیر مشخص می‌شود.

۶. ملاک‌های تشخیص

۱. نمونه‌ی فراگیر کاستی‌های اجتماعی و میان فردی که افزون بر تحریف‌های شناختی یا ادراکی و رفتارهای غیر عادی و نامتعارف با ناراحتی شدید یا کاهش توانایی در برقراری روابط صمیمانه مشخص می‌شود که از اوایل بزرگسالی شروع، و در زمینه‌های گوناگون آشکار می‌شود؛
۲. افکار عطفی (بدون هذیان‌های عطفی)؛
۳. عقاید عجیب یا تفکر جادویی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد و با هنجارهای خرده فرهنگی به طور اساسی ناهم‌ساز است؛ برای مثال خرافاتی بودن، اعتقاد به غیب بینی و غیب‌دانی، اندیشه خوانی، یا حس ششم در کودکان و نوجوانان، خیال پردازی‌ها یا اشتغال‌های ذهنی نامتعارف؛
۴. تجربه‌های ادراکی غیر معمول از جمله خطاهای حسی بدنی؛

۵. تفکر و گفتار عجیب؛ برای مثال تفکر و گفتار مبهم غیر مستقیم و تلویحی، استعاری پرشاخ و برگ یا قالبی؛
۶. سوءظن یا اندیشه پردازی پارانوئید؛
۷. عواطف بی تناسب یا محدود؛
۸. رفتار یا ظاهر عجیب و غریب یا نامتعارف؛
۹. نداشتن دوستان نزدیک یا محرم اسرار غیر از بستگان درجه اول؛
۱۰. اضطراب اجتماعی مفرطی که با آشناسدن با دیگران کاهش نمی یابد و بیشتر با ترس های پارانوئید همراه است تا قضاوت های منفی درباره خود (انجمن روان پزشکی امریکا DSM-5، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹۶-۱۰۹۹).

۷. ویژگی های تشخیصی اسکیزوتایپی در علی محمد بر اساس شواهد تاریخی

همان طور که بیان شد از ویژگی های اصلی تشخیص اختلال شخصیت اسکیزوتایپی عبارت است:

۱- مبتلایان اختلال شخصیت اسکیزوتایپی بیشتر افکار عاطفی یعنی تفسیرهای نادرست از علیت رویدادها و وقایع بیرونی به شکل برداشت معانی شخصی خاص و نامعمول از آنها که خاص خود فرد است دارند. اگر علی محمد شیرازی را کاندید این اختلال روانی در نظر بگیریم و ریشه ادعای امامت و رسالت او را فقط سادگی و درک نادرست عقاید مذهبی فرض بگیریم، تفسیر نادرست ایشان از واقعه ظهور و موعود آخرالزمان و برداشت غلط وی از مهدویت برای او قابل درک است.

۲- این افراد ممکن است خرافاتی باشند. یا به پدیده های فراطبیعی اشتغال ذهنی داشته باشند که فراتر از هنجارهای خرده فرهنگی هستند که به آن تعلق دارند. نمونه آن در زندگی علی محمد، زمانی است که در جلسه محاکمه وی در تبریز، از او سؤال شد، از معجزه و کرامت چه داری؟ گفت: اعجاز من این است که برای عصای خود آیه نازل می کنم و به خواندن این فقره شروع کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم. سُبْحَانَ اللَّهِ الْقُدُّوسِ السُّبُّوحِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَمَا خَلَقَ هَذِهِ الْعَصَا آيَةً مِنْ آيَاتِهِ» و اعراب

کلمات را به قاعده نحو غلط خواند، زیرا سین را در «السموات» مفتوح قرائت کرد و چون گفتند: مکسور بخوان! ضاد را در «الأرض» مکسور خواند (فاضل مازندرانی، ۱۹۴۰-۱۹۴۲، ص ۱۴/۳).

۳- آنها گاهی احساس می‌کنند توانایی خاصی دارند و می‌توانند رویدادها را قبل از وقوع‌شان حس کنند یا فکر دیگران را بخوانند. ممکن است باور داشته باشد که روی دیگران کنترلی جادویی دارد که می‌تواند به‌طور مستقیم روی آنها اعمال کند. باب همچنین خود را پیامبری جدید و بشارت‌دهنده دینی که قرار است پس از او توسط «من يُظهِرُ الله» «آنکه خداوند او را ظاهر خواهد ساخت»، خواند و بارها در آثار خود به ظهور او اشاره کرد. بنا بر نظر اسلمنت، نویسنده کتاب‌های شناخت بهائیت، «باب خود را مُبَشِّر ظهور بعدی دانسته که نامش را مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ گذاشته بود» (اسلمنت، ۱۹۸۸، ص ۲۸) دالگور کی درباره پیشگویی‌های خرافه‌آمیز وی نوشته است: «از چندی قبل تهران در حالت پر اضطرابی به سر می‌برد، شخص سیدی که در اینجا معروف است به باب پیشگویی کرده است که در آتیه نزدیکی تراکمه به اینجا هجوم آورده و شاه مجبور به ترک پایتخت خواهد شد. این نوع پیشگویی‌ها تأثیر عمیقی در ملتی زودباور مانند ملت ایران دارد» (مدرسی چهاردهمی، ۱۳۴۵، ص ۱۷۸).

۴- امکان بروز تغییرات ادراکی نیز در این افراد وجود دارد؛ به‌طور مثال این احساس که شخصی دیگر حضور دارد یا شنیدن صدایی که نامش را نجوا می‌کند یا خیال پردازی‌های نامتعارف از موارد آن است.

(علی محمد در شروع امر تجربه دینی خویش، بخش‌هایی از قرآن کریم را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود، تأویل کرد و در شروع تفسیرش بر سوره یوسف نوشت که امام دوازدهم شیعیان او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشتن را «ذکر» نامید (راسل هینلز، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸۷/۲).

۵- گفتار و رفتار این افراد ممکن است شامل جملات و عبارات و اعمالی غیر معمول و عجیب و غریب باشد. گفتار بیشتر اوقات، بی‌دقت، نامربوط یا مبهم است. پاسخ‌های آنها یا بسیار عینی یا بیش از حد انتزاعی است و واژه‌ها یا مفاهیم گاهی به

روش‌هایی نامعمول به کار می‌روند. (در احکام شرعی باب آمده است: «کودکان را روی صندلی یا کرسی یا تخت بنشانید که از عمرشان حساب نشود» (شیرازی، بیان عربی، ص ۲۶)، و «واجب است که هر نفسی برای وارثان خود نوزده ورق کاغذ سفید لطیف ارث باقی گذارد» (شیرازی، بیان فارسی، ص ۲۷۴)، و «نوشیدنی چای را مستحب مؤکد قرارداد حتی به کسی که بنوشد ثواب بسیار داده می‌شود» (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶، ص ۶۹)، و «این که هر کس شخصی را از پشت سروصدا کند بدکار است و باید ۳ مثقال یاقوت کفاره بدهد، و اگر قدرت مالی نداشته باشد دو روز روزه بگیرد» (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶، ص ۷۰).

همچنین در گزارش‌های تاریخی آمده است، وقتی که از علی‌محمد در قبال ادعایش دلیل می‌خواستند، مهملائی می‌بافت که به‌طور اساسی مفهوم نداشت؛ مثل: «هو الله من له البهی و البهیوت. یا من له الجل و الجلیوت! یا من له الکلم و الکلموت! یا من له العظم و العظمت! یا من له الکرم و الکرموت! یا من له النصر و النصروت» (شیرازی، نقطه اولی، بی‌تا). یا افزودن نام خود در اذان (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

یا در جای دیگر از تاریخ، ناصرالدین میرزا مأمور شد که مجلسی از علمای تبریز تشکیل دهد و در آن جا به امر باب رسیدگی شود. اول حاج ملامحمود پرسید که: مسموع می‌شود که تو می‌گویی من باب امام هستم و بابم و در بعضی از کلمات گفته‌ای که دلیل بر امام‌بودن بلکه پیغمبری تو است! گفت: «بلی حیب من و قبله‌ی من، نایب امام هستم و باب هستم، آنچه گفته‌ام و شنیده‌اید راست است. طاعت من بر شما واجب است، به دلیل «ادخلو الباب سجدا» ولیکن این کلمات را من نگفته‌ام آنکه گفته است». پرسیدند: گوینده کیست؟ جواب داد: «آنکه به کوه طور تجلی کرد. روا باشد انا الحق از درختی چرا نبود روا از نیکبختی، اینها را خدا گفته است. بنده به منزله‌ی شجره طور هستم و به خدا قسم کسی که از صدر اسلام تاکنون انتظار او را می‌کشیدید منم» (ایلیایی، ۱۳۸۲، ص ۱۴). این‌ها نمونه‌های از فکار و گفتار غیر عادی وی است.

۶- آنها بیشتر به این علت عجیب و غریب و نامتعارف به نظر می‌رسند که ادا و اطوارهای غیر عادی دارند و به رسوم اجتماعی معمول بی‌توجه‌اند. یا اهل گوشه‌نشینی و

روابط محدود با همسالان هستند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا DSM-5، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰۲). بنابر گزارش‌های تاریخی از همان سنین نوجوانی، علامت‌های نبود تعادل روحی در او آشکار بود. به کارهای غیر متعارف دست می‌زد و به طبع خرافه گرا بود. به «اوراد» و «طلسمات» که رمالان و افسونگران نادان و حرفه‌ای جهت ارتزاق و گول زدن ساده لوحان به کار می‌بردند، سخت علاقه‌مند و پابند بود. و گاه با همین طلسمات بی‌اساس و اوراد به گمان خود به تسخیر جن و یا تسخیر قوای «فلکی» و «روح خورشیدی» می‌پرداخت. چنانکه هنگام ایستادن بر بالای بام، اوراد مجعوله می‌خواند و حرکات ریاضت کشان قدیم هندی را تقلید می‌کرد (رضانژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

در این مورد نیز باید به این نکته توجه کرد که ممکن است دیگر اختلال‌های شخصیت با اختلال شخصیت اسکیزوتایپی اشتباه گرفته شوند؛ زیرا ویژگی‌های مشترکی دارند. به‌طور مثال روابط صمیمانه هم در اختلال شخصیت اسکیزوتایپی و هم در اختلال شخصیت اجتنابی محدود می‌شوند؛ اما در اختلال شخصیت اجتنابی فرد مبتلا تمایلی فعال به برقراری روابط دارد که این تمایل او به واسطه ترس از طردشدن فرو نشانده می‌شود در حالی که در اختلال شخصیت اسکیزوتایپی فقدان تمایل به رابطه با دیگران و نیز گوشه‌نشینی پایدار وجود دارد.

مبتلایان اختلال شخصیت خودشیفته نیز ممکن است سوءظن، کناره‌گیری اجتماعی یا از خودبیگانگی نشان دهند؛ ولی این ویژگی‌ها در اختلال شخصیت خودشیفته به‌طور عمده به سبب ترس از نقص داشتن یا آشکارشدن کاستی‌ها بروز می‌کنند. مبتلایان اختلال شخصیت مرزی نیز ممکن است نشانه‌های شبه روان‌پریشی داشته باشند، اما به‌طور معمول این نشانه‌ها ارتباط تنگاتنگی با تغییرات عاطفی مرتبط با فشار روانی مثل خشم، اضطراب ناکامی شدید دارند و به‌طور عمده ماهیتی گسستی دارند. در مقابل، مبتلایان اختلال شخصیت اسکیزوتایپی بیشتر نشانه‌های شبیه روان‌پریشی پایداری دارند که ممکن است تحت فشار روانی شدت بیشتری پیدا کنند اما کمتر احتمال دارد که با نشانه‌های عاطفی بارز همواره رابطه‌ای ثابت داشته باشند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا DSM-5، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰۴).

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد شخصیت علی محمد، مورد مطالعه و واکاوی قرار گیرد. علی محمد شیرازی، از مدعیان مهدویت در زمان حاضر بود، که شروع کننده جریان بابت و زمینه ساز انحرافی بزرگ در مسئله مهدویت شد. وی در طی شش سال دعاوی خود، از باب امام زمان تا ادعای الوهیت را در جامعه اسلامی ترویج داد، و بدین وسیله توانست توجه کانون های استعماری را به خود جلب نماید. هر چند موافقان تفکر و اندیشه وی، او را مومن به حق و انتخاب شده الهی برای بشارت برنجی آخرالزمان می دانند. اما با مطالعه سرگذشت زندگی علی محمد شیرازی نمی توان او را بر مبنای تفکر شیعی در مسیر حق و عدالت یافت. جالب این است که خود علی محمد نیز بر ادعاهای خود ثابت قدم نبوده است. امروزه بهاییان با مغلطه های فراوان، یکی از دلایل اثبات ادعاهای وی را استقامت او در ادعاهایش می دانند در حالی که هرگز این چنین نبوده و همان طور که گذشت او به راحتی در محاکمات از ادعاهای خود چشم پوشی می کرد.

بر اساس گزارهای تاریخی در همان دوران نیز علماء و حکمای وقت نتوانستند در مورد صدق یا کذب رفتارها و گفتارهای علی محمد به توافق نظر برسند. برخی او را مجنون و برخی او را مردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند. با توجه به موارد بیان شده تا بدین جا، می توانیم زمینه هایی از اختلالات روانی (اختلال شخصیت اسکیزوتایپی و اختلال شخصیت ضد اجتماعی) را در زندگی علی محمد شیرازی مشاهده و تشخیص دهیم. و وی را کاندید این دو بیماری در نظر بگیریم. این آسیب ها گویای شخصیت نامتعادل و بیمارگونه وی است که بنابر شواهد تاریخی و نقلی از دوران نوجوانی او قابل مشاهده است. و همین نبود تعادل روانی و روحی می تواند مهم ترین دلیل بر کذب ادعاهای بی اساس و به دور از اعتقادات صحیح اسلامی و باورهای محکم دینی وی باشد.

از نگاه فرهنگ اصیل اسلامی و مذهب ناب تشیع ولایت و زعامت بر جامعه انسانی بر عهده انسان کامل از هر نقص و عیبی است. افرادی مانند علی محمد شیرازی با

دارا بودن زمینه‌های اختلالات و آسیب‌های شخصیتی مانند خیال پردازی، تکانشگری، اغواگری، خودشیفتگی، منفعت طلبی، جاه طلبی، قدرت طلبی و استثمارگری که به وضوح در زندگی فردی و اجتماعی وی قابل مشاهده است نمی‌توانند در این جایگاه قرار بگیرند.

افزون بر این باورمندی به دیدگاه‌های فردی که دچار بیماری‌های جنون‌آمیز است و نیز افرادی که تحت تأثیر وی، فرقه‌هایی را ایجاد کرده‌اند بر خلاف روش عقلانی و امری نامعقول است.

فهرست منابع

۱. آیتی، عبدالحسین. (۱۳۴۳ق). الكواكب الدرية (ج ۱). مصر: مطبعة السعادة بجوار محافظة مصر.
۲. آیتی، عبدالحسین. (۱۳۲۶). كشف الحیل (چاپ ششم). تهران: نقش جهان.
۳. اسلمنت، جی. ای. (۱۹۸۸م). بهاء الله و عصر جدید (مترجمان: علی بشیرالهی و دیگران). ریودوژانیرو برزیل: منشورات دارالنشر البهائية.
۴. استیون، حسن. (۱۳۹۲). گسستن بندها (مترجم: ابراهیم خدابنده). تهران: مؤسسه جام جم.
۵. اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۴۰۱). سازمان سیاسی بهائیت. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۶. اشراق خاوری، عبدالمجید. (بی تا). مطالع الأنوار (تلخیص تاریخ نیل زرندی). (قابل مطالعه در وب سایت <https://oceanoflights.org/page/about-site-fa>). تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۷. اقتصادمراغی، صالح. (۱۳۹۰). ایقاظ یا بیداری در کشف خیانات دینی و وطنی بهاییان. قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۸. انجمن روان پزشکی آمریکا. (۱۳۹۶). راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی (مترجمان: فرزین رضاعی، علی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوفری، ژانت هاشمی آذر و فرهاد شاملو). تهران: انتشارات ارجمند.
۹. ایلایی، ع. (۱۳۸۲). بابیت و بهائیت در بستر تاریخ. اصفهان: عطر عترت.
۱۰. پترسون، مایکل و دیگران. (۱۳۷۹). عقل و اعتقاد دینی (مترجم: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی). تهران: طرح نو.
۱۱. پرهیزگار، محمدعلی؛ حیدری فر، مجید. (۱۳۹۶). مقاله پیشینه‌شناسی و نقد گرایش‌های باطنی بابیت و بهائیت، فصلنامه علمی-پژوهشی مهدویت مشرق موعود، ۱۱(۴۳)، صص ۱۵۱-۱۷۰.

۱۲. تالرسینگر، مارگارت. (۱۳۹۸). فرقه‌ها در میان ما (مترجم: ابراهیم خدابنده، چاپ دوم). اصفهان: انتشارات دانشگاه.
 ۱۳. تنکابنی، محمدبن سلیمان. (۱۳۸۳). قصص العلماء. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
 ۱۴. راسل هینلز، جان. (۱۳۸۵). راهنمایی ادیان زنده (ج ۱، مترجم: عبدالرحیم گواهی). قم: بوستان کتاب.
 ۱۵. رضائزاد، عزالدین. (۱۳۸۱). از شیخی‌گری تا بابی‌گری. قم: نشریه انتظار (نشریه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ش ۵، ش کتاب دیجیتالی ۶۷۶۰).
 ۱۶. زعیم‌الدله تبریزی، میرزا مهدی‌خان. (۱۳۴۶). مفتاح باب‌الابواب (مترجم: فرید گلپایگانی). ایران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
 ۱۷. سادوک، بنامین جیمز. (۱۳۹۲). خلاصه روان‌پزشکی؛ علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی. تهران: انتشارات ارجمند.
 ۱۸. سلیمیان، خدامراد. (۱۳۸۸). فرهنگ‌نامه مهدویت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
 ۱۹. شیرازی، علی محمد. (بی‌تا). کتاب الواح خطی نقطه اولی. کتاب‌خانه مراجع بهایی ایران، www.bahai.org/fa/legal.
 ۲۰. شیرازی، علی محمد. (بی‌تا). الیان، کتاب‌خانه مراجع بهایی. سایت رسمی بهاییان ایران www.bahai.org/fa/legal.
 ۲۱. صادقی، هادی. (۱۳۷۹). درآمدی بر کلام جدید. قم: کتاب طه و نشر معارف.
 ۲۲. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی. (۱۳۸۲). کمال‌الدین و تمام‌النعمه (ترجمه: منصور پهلوان). قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۲۳. صفری‌فروشانی، نعمت‌الله؛ کامیاب، مسلم. (۱۳۹۵). ترفندهای روانشناختی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر. فصلنامه علمی- پژوهشی انتظار موعود، ۱۶ (۵۵)، ص ۷۵-۱۰۰.
- حوزه علمیه قم: مرکز تخصصی مهدویت.

۲۴. عبدالبهاء. (۱۳۰۸). اولین چاپ، مقاله شخصی سیاح (در تاریخ باب و بهاء)، مؤسسه ملی مطبوعات امری، کتابخانه مراجع بهایی، سایت رسمی بهاییان ایران www.bahai.org/fa/legal.
۲۵. فاضل مازندرانی، اسدالله. (۱۹۴۰ تا ۱۹۴۲م). تاریخ ظهور الحق (ج ۱ و ۲). تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، کتابخانه مراجع بهایی، سایت رسمی بهاییان ایران www.bahai.org/fa/legal.
۲۶. کاشانی، حاجی میرزاجانی. (۱۳۲۸). نقطة الکاف در تاریخ ظهور باب و وقایع هشت سال اول از تاریخ بابیه (به اهتمام ادوارد براون در دارالفنون کمبریج انگلیس)، لندن: انتشارات بریل از بلاد هلاند.
۲۷. کامیاب، مسلم. (۱۴۰۰). بررسی زمینه روان‌شناسی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت. فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود، ۲۱(۷۳)، صص ۵۱-۶۹.
۲۸. گلپایگانی، میرزا؛ ابوالفضل، سیدمهدی. (۱۹۱۷م). کشف الغطا عن الحیل العد. چاپ تاشکند. ایران: کتابخانه سایت رسمی بهاییان.
۲۹. لگنهاوسن، محمد. (۱۳۷۹). تجربه دینی در نظرخواهی از دانشوران (مترجم مصطفی ملکیان). مجله نقدونظر، ۶(۲۳-۲۴)، صص ۴۴۷-۴۶۹.
۳۰. محمدی اشتهاودی، محمد. (۱۳۸۹). بابیگری و بهاییگری (مولود مدعیان دروغین نیابت خاص از امام زمان علیه السلام، ج ۱). قم: گلستان ادب.
۳۱. محیط طباطبایی، محمد. (بی‌تا). آسیب‌شناسی کتب تاریخی بهائیت و انتساب‌های نادرست. برگرفته از: ماهنامه گوهر، ۴(۷)، نرم افزار بهائیت.
۳۲. محیط طباطبایی، محمد. (بی‌تا). مقاله باب و چالش‌های پیش‌رو، برگرفته از کتاب (عجز علی محمد شیرازی از پاسخ‌گویی به سؤال علمای اصفهان)، انتشارات سایت بهایی پژوهی.
۳۳. مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۴۵). شیخی‌گری، بابی‌گری از نظر فلسفه، تاریخ و اجتماع. تهران: کتابفروشی فروغی.

۳۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶). محاکمه و بررسی در تاریخ و عقاید و احکام باب و بهاء. قم: نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۵. مهتدی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهایی‌گری. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۶. نجفی، محمدباقر. (۱۳۸۸). بهایان (چاپ اول). تهران: نشر مشعر.
۳۷. یزدانی، احمد. (۱۳۲۹). نظر اجمالی در دیانت بهایی. تهران: نرم افزار بهایت پژوهی.

References

1. Abdul-Baha. (1929). *The First Printing, Personal Travel Article* (On the History of the Bab and Baha'u'llah). National Press Institute, Baha'i Reference Library, Official Baha'i Website, www.bahai.org/fa/legal. [In Persian]
2. American Psychiatric Association. (2017). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* (F. Rezaei., A. Fakhrayi., A. Farmand., A. Niloofari., J. Hashemi Azar., & F. Shamlou, Trans.). Tehran: Arjmand Publications. [In Persian]
3. Ayati, A. H. (1924). *Al-Kawakib al-Durriyyah* (Vol. 1). Egypt: Matbahah al-Sa'adah bi Jawar Muhafiza Misr. [In Arabic]
4. Ayati, A. H. (1947). *Kashf al-Hilal* (6th ed.). Tehran: Naqsh-e Jahan. [In Persian]
5. Egtesad Maraghi, S. (2011). *Iqaz or Awakening in the Discovery of the Religious and National Betrayals of the Baha'is*. Qom: Mahdi Muntadhar Cultural Foundation. [In Persian]
6. Eshraq Khavari, A. M. (n.d.). *Studying the Lights* (Summary of the History of Nabil Zarandi). Retrieved from <https://oceanoflights.org/page/about-site-fa>. Tehran: National Press Institute.
7. Eslemont, G. E. (1988). *Baha'u'llah and the New Era* (A. Beshiralahi et al., Trans.). Rio de Janeiro, Brazil: Baha'i Publishing Center.
8. Esmaeili, H. R. (2022). *The Political Organization of Baha'ism*. Tehran: Institute for Political Studies and Research. [In Persian]
9. Fazel Mazandarani, A. (1940-1942). *The History of the Appearance of the Truth* (Vols. 1 & 2). Tehran: National Press Institute, Baha'i Reference Library, Official Baha'i Website, www.bahai.org/fa/legal. [In Persian]
10. Golpayegani, M., & Abul-Fazl, S. M. (1917). *Kashf al-Ghita' An al-Hilal al-Adh* (Tashkaland Printing). Iran: Baha'i Reference Library, Official Baha'i Website. [In Persian]
11. Ilaiyi, A. (2003). *Babism and Bahaism in the Historical Context*. Isfahan: Atr Etrat. [In Persian]

12. Kamyab, M. (2021). Psychological Context of Accepting the Claims of False Messianic Figures. *Journal of Intizar Maw'oud*, 21(73), 51-69. [In Persian]
13. Kashani, H. M. J. (1950). *Nuqta al-Kaf in the History of the Reappearance of the Bab and the First Eight Years of Babism* (E. Brown at the University of Cambridge, UK, Ed.). London: Brill Publications. [In Persian]
14. Langenhausen, M. (2000). Religious Experience in the Consultation of Scholars (M. Malekian, Trans.). *Journal of Naqd va Nazr*, 6(23-24), 447-469. [In Persian]
15. Modarresi Chahar-Dehi, M. (1966). *Shaykhism and Babism from the perspective of Philosophy, History, and Society*. Tehran: Furoughi Bookstore. [In Persian]
16. Mohammadi Eshtahardi, M. (2010). *Babism and Bahaism* (The Offspring of False Messianic Claims of the Special Deputy of Imam Zaman, Vol. 1). Qom: Golestan Adab. [In Persian]
17. Mohit Tabatabaei, M. (n.d.). Pathology of Baha'i Historical Books and False Attributions. *Gohar Monthly*, 4(7). Baha'i Software.
18. Mohit Tabatabaei, M. (n.d.). *The Bab and the Challenges Ahead* (From the book *Ali Muhammad Shirazi's Inability to Answer the Scholars of Isfahan*). Baha'i Studies Publication.
19. Mohtadi, A. F. (2011). *Memoirs of Sobhi's Life and the History of Babism and Bahaism*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
20. Mostafavi, H. (2007). *Trial and Review in the History, Beliefs, and Rulings of the Bab and Baha'u'llah*. Qom: Allameh Mostafavi Publications. [In Persian]
21. Najafi, M. B. (2009). *The Baha'is* (1st ed.). Tehran: Mashar Publications. [In Persian]
22. Parhizgar, M. A., & Heydari Far, M. (2017). *History and Critique of the Esoteric Trends in Babism and Bahaism*. *Mahdaviat Mashriq Maw'oud*, 11(43), 151-170. [In Persian]
23. Patterson, M., et al. (2000). *Reason and Religious Belief* (A. Naragi & IESoltani, Trans.). Tehran: Tarh No. [In Persian]

24. Razanejad, E. (2002). *From Shaykhism to Babism*. Qom: Intizar Magazine (Foundation of Imam Mahdi Maw'oud). [In Persian]
25. Russell Hinles, J. (2006). *A Guide to Living Religions* (Vol. 1, A. R. Gowahi, Trans.). Qom: Bustan-e-Kitab. [In Persian]
26. Sadeghi, H. (2000). *An introduction to New Theology*. Qom: Taha Book and Ma'arif Publications. [In Persian]
27. Sadouq, B. J. (2013). *Summary of Psychiatry: Behavioral Sciences, Clinical Psychiatry*. Tehran: Arjmand Publications. [In Persian]
28. Saduq, A. (2003). *Kamal al-Din and Tamam al-Ni'mah* (M. Pehlavan, Trans.). Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
29. Safari Forooshani, N., & Kamyab, M. (2016). Psychological Tactics of False Messianic Claimants in Contemporary Iran. *Journal of Intizar Mawoud*, 16(55), 75-100. Qom: Specialized Center for Mahdaviat Studies. [In Persian]
30. Salimian, K. M. (2009). *Encyclopedia of Mahdaviat*. Qom: Foundation of Imam Mahdi Maw'oud. [In Persian]
31. Shirazi, A. M. (n.d.). *Al-Bayan*. Baha'i Reference Library, Official Baha'i Website, www.bahai.org/fa/legal.
32. Shirazi, A. M. (n.d.). *The Book of the First Tablets of the Point of Origin*. Baha'i Reference Library, www.bahai.org/fa/legal.
33. Steven, H. (2013). *Breaking the Bonds* (E. Khodabandeh, Trans.). Tehran: Jam-Jam Institute. [In Persian]
34. Tellersinger, M. (2020). *Cults Among Us* (E. Khodabandeh, Trans., 2nd ed.). Isfahan: University Publications. [In Persian]
35. Tonekaboni, M. (2004). *Qisas al-'Ulama*. Tehran: Islamic Scientific Publications. [In Persian]
36. Yazdani, A. (1950). *A Brief View of the Baha'i Faith*. Tehran: Baha'i Studies Software. [In Persian]
37. Zaeem al-Dole Tabrizi, M. M. K. (1967). *Miftah al-Bab al-Awab* (F. Golpayegani, Trans.). Iran: Farahani Press Institute. [In Persian]